

یادداشت سردبیر

تلاش برای حقوقی شدن جامعه

محمد جواد شریعت باقری^۱

مقالات این شماره از «دوفصلنامه» همگی به افتخار و احترام استاد اندیشمند دکتر ناصر کاتوزیان تهیه شده تا همزمان با هشتمین سالگرد درگذشت آن حقوق دان نامور منتشر شود که البته اکنون با کمی تأخیر به انجام رسیده است. ابتکار تقدیم این شماره به استاد را مدیر مسؤول محترم نشریه مطرح کرده‌اند و جناب آقای دکتر حسن محسنی عضو محترم هیأت علمی دانشکده حقوق دانشگاه تهران، بار برنامه‌ریزی و نظارت بر تدوین مقالات را به عهده داشتند که شایسته است از هردو استاد و نیز همه داورانی که مقالات را داوری کردند سپاسگزاری کنیم.

باری، استاد دکتر کاتوزیان از چهره‌های درخشان حقوق ایران و پر تلاش ترین مولف موفق بویژه در حوزه حقوق مدنی و حقوق خصوصی ایران است. به یاد دارم که زمانی در سالهای پایانی عمر گفتند که «خودم هم نمی‌دانم که چگونه توانسته‌ام نزدیک به ۴۵ اثر نسبتاً پر حجم حقوقی تالیف کنم و با خود فکر می‌کنم که تنها ورق زدن اوراق این کتابها مدتها وقت لازم خواهد داشت». و این را البته از تواضع اشاره نکردند که آن هم آثاری که در عالی‌ترین سطوح دقت و استقراء و پژوهش است. اکنون وضع به گونه‌ای است که هیچ پژوهش حقوق خصوصی در حقوق ایران نمی‌توان تصور کرد که از آثار دکتر کاتوزیان بی‌نیاز باشد.

۱. سردبیر نشریه نقد و تحلیل آراء قضایی.

یادداشت سردبیر / ۷

محمدجواد شریعت باقری

به هر حال، تلاش دکتر کاتوزیان برای پرورش و گسترش حقوق جوان ایران انجام شد و آثار و ثمرات ارزشمند خود را بر جا گذاشت. گامهای بلندی که در دهه‌های اخیر استادان بعدی برداشته و برمی‌دارند مرهون پایه‌هایی است که استادان گذشته به پا کرده‌اند. واقعیت این است که حقوق ایران هنوز بسیار جوان و نیازمند اندیشه‌هاست. اثبات این مدعا دلایل طولانی و فلسفی نمی‌خواهد. اگر بخواهیم بدانیم که در دانش ساخت خودرو در کجا هستیم باید خودروهایی را که می‌سازیم ببینیم. اگر بخواهیم دانش ساختمان سازی یا راهسازی یا داروسازی خود را ارزیابی کنیم باید ببینیم که ساختمانها و راهها و داروهایمان چگونه است. حقوق هم همین‌طور است. باید ببینیم که دادسراها و دادگاهها و دیوانها و قانونها چگونه‌اند.

البته چون در جهان نسبیها و نسبیتهای زندگی می‌کنیم باید ببینیم خود را با چه تاریخها و چه جغرافیاهایی مقایسه می‌کنیم. هیچ تردیدی وجود ندارد که وضع روزگار ما بسیار بهتر از دوران قبل از مشروطه است و هیچ شک نیست که ما اکنون از دانشی به نام دانش حقوق برخوردار شده ایم. شک نیست که نهادها و تاسیسات پیشرفته حقوقی و قانونی داریم: دیوان عالی کشور، دیوان عدالت اداری، دادگاههای بدوی و تجدید نظر، تفکیک قوا، حقوق اساسی، قانون اساسی و قوانین آیین دادرسی مدنی و کیفری و مانند اینها. همه این نهادها و تاسیسات فلسفه‌هایی دارند که در سرزمینهای دیگر پیدا و بارور و معنی دار شده‌اند و کارآمدی دارند. اکنون اگر آمده‌ایم و این خودروها و هواپیماهای پیشرفته را وارد کرده‌ایم باید کار با آنها را بدانیم. نمی‌توان یک هواپیما را به راننده یک خودرو سواری یا یک مکانیک موتورسیکلت داد و انتظار داشت که آنها را برانند یا تعمیر کنند. کارکرد موفق این تاسیسات موکول به آن است که دست اندرکاران آنها از آن مبانی و فلسفه‌ها باخبر باشند و بدانند که این دستگاه حقوق و دادرسی چگونه روشن می‌شود و چگونه به راه می‌افتد و چگونه کار می‌کند.

اگر از دستاوردهای سرزمینهای دیگر در ساخت هواپیماها و موبایلها و ماهواره‌ها و قطارها و کشتیها بهره می‌بریم و تلاش می‌کنیم تا آنها را بتوانیم بسازیم الزامات کار با آنها

را نیز باید بدانیم. دانش حقوق به سرعت در حال توسعه و گسترش است. برخی دولتهای مدرن آنقدر سازمان و سامان پیدا کرده‌اند که دستگاه حکومت و ادارات آنها خود به خود و بدون آن که موقوف به اراده افراد باشد در حال چرخش و تحول و توسعه است. در چنین سیستمی دیگر لازم است که «پیران خردمند و با تجربه» اوضاع را به دست بگیرند. جوانان سمتهای نخست وزیری و وزارت و دولت را به عهده دارند چرا که دیگر لازم نیست که کارهای مهمی انجام بدهند. قطاری به راه افتاده و حتی بی‌راننده مسافران را به مقصد می‌رساند.

به این نکته باید توجه کنیم که ارائه ابتکار و خلاقیت کار آسانی نیست و تحولات اساسی اجتماعی و توسعه، بویژه اگر قرار باشد الگوهای جدید ارائه کند، بیش از آن که در گروه دانشهای فنی و تجربی باشد مستلزم تقویت شاخه‌های علوم انسانی و بویژه فلسفه و حقوق است. دانش حقوق صرفاً مجموعه مطالب موجود در کتابهای حقوقی نیست بلکه تحقق عینی و واقعی و خارجی یافته‌های حقوقی است. البته تا زمانی که آثار حقوقی فراوان یافت نشود به بیرون تراوش نمی‌کند و آنچه در بیرون می‌تراود همه آن چیزهایی نیست که در کتابها هست. پس آن آثار باید چنان افزون شوند که طراوت آن‌چه به بیرون می‌تراود مشام جان را تازه کند و از یک جامعه بیگانه از حقوق، یک جامعه حقوقی بسازد. جامعه حقوقی یعنی جامعه‌ای که بر مدار حقوق می‌چرخد، حقوق در آن رایج و روان است. سکه رایج آن جامعه، حقوق است و همه جا از حقوق سخن می‌گویند. این را هم البته باید اذعان کنیم که جامعه‌های حقوقی فراوان نیستند. قطعاً بیش از نیمی از کشورهای جهان در آرزوی حقوقی شدن هستند. آنها هم که حقوقی شده‌اند به یکباره و یکشبه نشده‌اند. چند قرن از آغاز دوران مدرن گذشته است و اکنون از دوران پسامدرن سخن می‌گویند. یک مشکل اساسی در کشورهای «در آرزو» این است که گمان می‌کنند که در دوران پسامدرن هستند.

ارزش مهم کار دکتر ناصر کاتوزیان حجم کارهای اثرگذار اوست که یک تنه کار ده‌ها حقوق‌دان زبده را به عهده گرفت. روانش شاد باد.